

بقلم سعید نفیسی

## ادیب نطنزی

هرچه دامنه اطلاعات ما وسیع تر شود و هرچه بیشتر کتاب بخوانیم و تصفح کنیم دریغ ما بر گمشدگان ادبیات فارسی بیشتر میشود. در قرن چهارم و پنجم عده شعرای فارسی زبان بعرا تب بیش از آن شمار بست که در تذکره ها ضبط کرده اند. اغلب باسامی کسانی بر میخوریم که درین دوره شعر پارسی میگفته اند یا تنها اسم ایشان مانده و یا بعضی ابیات پراکنده نیز از ایشان مانده است و این اشخاص قطعاً آثاری در زبان ما داشته اند که ناچیز شده و بر ناچیز شدن آن باید اسف بخوریم.

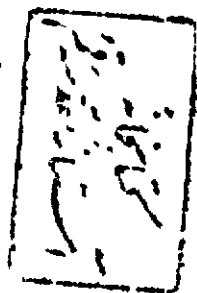
یکی از این گمشدگان ادیب نطنزیست: یاقوت حموی در معجم البلدان (۱) در ذیل کلمه «نطنزه» می نویسد: «بفتح اوله و ثانیه ثم نون ساکنه و زای و هاء بلیده من اعمال اصفهان بینهما نحو عشرین فرسخا الیهما ینسب الحسین بن ابراهیم یلقب ذا اللسانین و ابوالفتح محمد بن علی النطنزیان الادیبان و غیرهما مات ابوالفتح محمد بن علی سنة ۴۹۷ فی المحرم...»

یعنی بفتح اول و دوم و سپس نون ساکن و زاء و هاء شهر کیست از اعمال اصفهان و میان آن دو نزدیک بیست فرسنگ است و منسوب بدانست حسین بن ابراهیم ملقب بذواللسانین و ابوالفتح محمد بن علی هر دو نطنزی و ادیب و غیر از ایشان و ابوالفتح محمد بن علی سال ۴۹۷ در محرم مرد...»

خرده که برین عبارات یاقوت می توان گرفتن اینست که اسم شهر را نطنزه ضبط کرده و تصریح کرده است که در آخر آن زاء و هاست و حال آنکه این قصبه هنوز در میان اصفهان و کاشان هست و اسم آن در زبان امروز ما نطنزست نه نطنزه و امروز

جزو حکومت کاشانست و تا اصفهان بیست فرسنگ و تا کاشان پانزده فرسنگ مسافت دارد (۲) و بر سر راه معمولی کاشان باصفهانست بدین قرار: کاشان - خالد آباد - خفر - نطنز - طرق - مورچه خورت - اصفهان و چون مردمان آن در زراعت و باغبانی شهرت دارند در تمام نقاط ایران نطنزی بسیار هست و زبان مخصوصی که یکی از لهجه های زبانهای ایرانیست در آنجا هست، معروف بزبان نطنزی، و کلابی آن نیز بخوبی در تمام ایران معروفست. اگر تصور کنیم که اسم این قصبه در اصل نطنزه بوده و بمرور زمان تخفیف یافته و نطنز شده، این تصور نیز دور از قیاستست زیرا که در اسامی سایر نقاط ایران از آن زمان تا کنون چنین تخفیف روی نداده است و اگر هم از این تخفیف ها روی داده باشد در آن زمان نیست که کلمات پهلوی یا اسامی زمان ساسانیان بکلمات فارسی یا اسامی بعد از اسلام بدل شده. پس اصل اسم این قصبه چنانکه هنوز تفوه میکنیم نطنزست و نه نطنزه و نطنزی منسوب بنطنز و چنانکه بعد بیاید خود شاعر هم جایی گفته است:

ز نطنز آمد رخت خرده ز نطنز ز نطنز ز نطنز ز نطنز ز نطنز



ازین خرده گیری گذشته معلوم میشود که از مردم این قصبه دو نفر معروف بادیب نطنزی بوده اند: یکی حسین بن ابراهیم ملقب بنو اللسانین و دیگری ابوالفتح

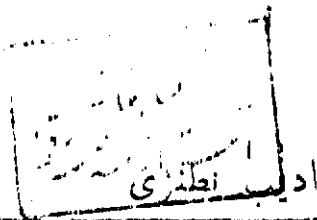
محمد بن علی متوفی در محرم ۴۹۷ هجری قمری. جامع علوم انسانی

در باب شخص نخست اطلاع دیگری نیز داریم و آن اینست که او مؤلف کتابیست در لغت تازی بهارسی باسم دستور اللغه. در باب این کتاب کاتب چلبی (حاج خلیفه) در کشف الظنون فی اسامی الکتب و الفنون مینویسد: (۳) « دستور اللغه و هو من الکتب المختصره فی هذا الفن لبديع الزمان حسین ابن (۴) ابراهیم

(۲) نقشه ایران مشتمل بر پست خانها - ترسیم میرزا رضا خان مهندس - طهران ۱۳۲۴

(۳) کشف الظنون - چاپ استانبول - جلد اول - صحیفه ۴۹۲ - (۴) دراصل چلبیست

زیرا که « ابن » در سطر واقع شده و بقاعده رسم الخط باید همزه نگاشته شود.



النسطنزی (۵) المتوفى سنة ۴۹۹ تسع وتسعين واربعمائه . النسطنزی بنونين بينهما طاء و آخر زاء معجمه . اوله الحمد لله الذى ابداع العالم بقدرته . وهو منقسم على ثمانية وعشرين كتابا بعدد الحروف المناسبة لمنازل القمر و اورد فى كل كتاب اثني عشر بابا بعدد الشهور للسنة « يعنى « دستور اللغة و آن از كتب مختصر دراين فنست از بديع الزمان حسين بن ابراهيم نطنزى متوفى در سال ۴۹۹ چهار صد و نود و نه . نطنزى بدو نون كه بين آن دو طاء باشد و آخر آن زاي معجمه . اول آن الحمد لله الذى ابداع العالم بقدرته و آن منقسم بر بيست و هشت كتابت بعدد حروف مناسب خانهاى ماه و در هر كتاب دوازده باب و اردست بعدد ماههاى سال «

ازين كتاب دستور اللغة يك نسخه بفايت نفيس در كتابخانه مدرسه علوم سياسى طهران موجودست كه چون نسخه معتبريست شرحى از آن ميدهم :

این نسخه بطول ۲۴ سانطى مطر در ۱۶ سانطى مطر و نیم عرضت -  
 طول مسطر ۱۹ سانطى مطر و نیم و عرض آن ۱۳ سانطى مطر - بخط نسخ قدیم -  
 دارای ۱۸۴ ورق و هر صحیفه شامل بیست سطر - سرفصلها بخط جلی و بهمان خط  
 متن کتاب و در فاصله هر لغت گرده سیاهيست كه درون آنرا سرخ کرده اند كه سر  
 عشرى باشد - كاغذ كلفت كه بمرور زمان برنگ زرد مايل شده - درسخن كاغذ  
 خطوط راه كبريتيست . جلد ساغرى معمولی كه در نخست سبز بوده و بمرور زرد  
 رنگ شده - پشت جلد كاغذ ابرى با رنگهای سرخ و زمينه ابرى . در پشت جلد  
 راست كتاب از اندرون بخط نسخ تعلیق جلی كه واضحست تازه تر از كتابت نوشته  
 شده : « كتاب دستور اللغة اديب بديع الزمان حسين بن ابراهيم النطنزى المتوفى  
 سنه ۴۹۹ » -

(۵) در اصل چنینست و واضحست كه در چاپ این تعریف روی داده و یا در نسخه اصل چنین بوده ولی مخصوصا پس از تصریح مؤلف كه طاء بین دو نونست سین زائد درین میان بسیار شكفتست و میسراند كه مصحح كتاب جمله بدرا دقت نكرده و مسلمست كه باید نطنزى باشد و نه نسطنزى .

در پشت ورق اول بخط معتمدالدوله فرهاد میرزا نوشته شده : « هو - دخل بنوابة الاقل وانا العبد المذنب العاصي طالب الرشاد فرهاد في مستهل شهر ذيحجة الحرام سنة ۱۲۶۳ هجرى على هاجرها الف الف سلام - مهر : نايب الاياله » ازین قرار این کتاب جزو کتابخانه معتمدالدوله فرهاد میرزای قاجار بوده و پس از آن تعلق گرفته است بمرحوم صاحب نسق و جزو کتب او برای کتابخانه مدرسه علوم سیاسی خریداری شده اند .

در صحیفه آخر کاتب چنین رقم کرده است : « فی يوم الاثنين رابع و عشرين شعبان سنة اثنين وتسعين وخمسائة فی مدينة حلب باب جامع الشرقی فی درجة الکس له حسین بن یوسف بن علی القراداشی الخوارزمی قراداش بین قم کت و بین ربکح و بین ند کمینک (۴) ... »

پیدا است که این نسخه در روز دوشنبه ۲۴ شعبان سال ۵۹۲ در شهر حلب تمام شده و نود و سه سال پس از مرگ مؤلف تحریر آن بانجام رسیده است و گذشته از آنکه کتب قرن ششم نادرست و گران بها شاید این نسخه قدیم ترین نسخ این کتاب باشد .

چنانکه حاج خلیفه در کشف الظنون آورده جمله آغاز این کتاب اینست : « الحمد لله الذی بدع (۶) العالم بقدرته ... » و پس از چند جمله مؤلف نام خود را چنین می آورد : « ... حررها الخادم لمجلس مولانا امیر المؤمنین اعز الله انصاره الحسین بن ابراهیم النطنزی ... » و پس ازین کلمه در حاشیه باراده افزوده شده است : « ذوالبیانین » از همین جا و از لقب ذواللسانین که یاقوت برای وی آورده است معلوم میشود که بدیع الزمان حسین بن ابراهیم معروف بادیب نطنزی در زبان پارسی و تازی هر دو ادیب بوده است و بهمین جهت او را ذواللسانین یا

ذو البیانین لقب داده اند . و این کتابرا برای یکی از خلفا که در اواسط یا اواخر قرن پنجم بوده است تالیف کرده ، زیرا که مؤلف در اواخر این قرن ، در ۴۹۹ ، مرده است .

ازین کتاب نسخه دیگری در طهران هست متعلق بکتابخانه شخصی دانشمند محترم آقای سید عبدالرحیم خلخالی که چندی پیش بامانت نزد من بود و همینقدر بیاد دارم که تاریخ تمسود آن مؤخر برین نسخه کتابخانه مدرسه علوم سیاسیست و چون این سطور را بشتاب نگاشتم مجال نشد که باری دیگر دست بذیل قنوت ایشان بیازم و رجوعی دیگر بد آن کتاب کنم و شرحی در باب آن برین سطور ببنفزازیم .

یک نسخه سوم ازین کتاب بنمره ۹۴۴ در کتابخانه ملی پاریس -  
Bibliothèque Nationale de Paris ضبطت و ادکار بلوشه Edgar Blochet  
مستشرق معاصر فرانسوی در باب این کتاب در فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه  
ملی (۷) می نویسد :

« دستور اللغة العربیه لغت عربی و پارسی از ابو عبدالله الحسین بن ابراهیم بن احمد النطنزی استاد در زبان تازی و زبان پارسی « ذواللسانین » (۸)

مؤلف این کتاب در دیباجه خود که درین نسخه بخط ترکی قرن نوزدهم و بسیار مغلوطست و باید بوسیله نسخه عربی نمره ۴۲۸۶ تصحیح کرد می آورد که تالیف او متکیست بر قرآن ، احادیث نبوی ، نگارش نویسندگان بزرگ ، از قبیل الصفات ، الالفاظ ، المصادر ، الترجمان ، الواسطه ، الاصلاح ، کتب بذله ، رسائل ، کتب مؤلفه در باب امتیاز کلماتی که مدعی مرادف بودن آنند ، کتب امثال ، دواوین ، از قبیل دواوین الطائی ، البحتری ، المتنبی ، مجموعه اشعار عرب ، از قبیل حماسه

(۷) جلد دوم — صحیفه ۱۷۲ - ۱۷۳ -

Bibliothèque Nationale-Catologue des manus crits persant  
par E. Blochet. T. II. Paris 1912- n. 172-173 . (۸) بخط عربی در متن .

ابوتمام ، و کتب شبیه بآن و معلقات سبع . آنرا بر ۲۸ کتاب کرده است ، بنا بر شماره حروف هجاء که مطابقت با خانهای ماه و هر يك از این کتباها منقسم بدوازده فصلست بنا بر شماره ماه های سال و منطقه البروج :

فهذا دستور اللغة العربية المستعملة المعتمدة الماثورة الواردة في كتاب الله تعالى ومعظم اخبار الرسول عليه السلام ومصنفات الادباء كالصفات والالفاظ والمصادر والترجمان والواسطة و الاصلاح و كتب البذلة والرسائل و كتب الفرق والامثال و دواوين المحدثين كاطائى و البحترى و المتنبى و مجموعاتهم كالحماسة ونحوها والقصائد السبع حررها الشيخ الاديب ابو عبدالله الحسين بن ابراهيم بن احمد النطنزى ذواللسانين ... و قال قسمتها على ثمانية و عشرين كتابا بعدد الحروف المناسبة لمنازل القمر و اوردت في كل كتاب اثني عشر بابا بعدد شهور السنة و عدد البروج الاثني عشر . . . . (۹)

بنا بر گفته حاج خليفه مؤلف دستور اللغة در سال ۴۹۹ هجری مرده است ( ج ۳ - ص ۲۲۷ ) ( ۱۰ ) و وی از مردم بلده نطنزه بوده از اعمال اصفهان و تقریباً بیست فرسنگ با آن مسافت داشته [ معجم البلدان - ياقوت - ج ۴ -

(۹) بمتن عربی در اصل کتاب و ترجمه آن بفارسی چنینست : « پس این دستوریست از لغت تازی که مستعمل و طرف اعتمادست و دست بدست گشته و واردست در کتاب خدای تعالی و معظم اخبار رسول علیه السلام و مصنفات ادبا مانند کتاب الصفات و الالفاظ و المصادر و الترجمان و الواسطة و الاصلاح و کتب بذله و رسائل و کتب فرق و امثال و دواوين شعراى تازه مانند طائى و بخترى و متنبى و مجموعات ایشان چون حماسه و امثال آن و قصاید هفتکانه و آنرا شیخ ادیب ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن احمد نطنزى ذواللسانين نگاشته است ... » و گوید که آنرا بریست و هشت کتاب قسمت کردم بشماره حروف و مناسب خانهای قر و درهر کتاب دوازده باب آوردم بشماره ماه های سال و عدد بروج دوازده گانه ... »

(۱۰) دراصل ( Diet. Bibl. t. III n. 222 ) — و رجوعیست بچاپ کشف الظنون که درآلمان شده است .

ص ۷۹۳ [ (۱۱) ] . وی معاصر عالم لغوی دیگر بود که او نیز از مردم نطنزه است ، ابوالفتح محمد النطنزی که در محرم ۴۹۷ هجری مرده است . بنا بر یاد داشق که در ورق ۱۱ نسخه خطی نمره ۹۴۵ نوشته شده دستور اللغة نیز بعنوان کتاب الخلاص معروفست چنانکه این ابیات تازی میرساند :

کتاب الخلاص کتاب به      خلاص النطنزی يوم الحساب  
اراح به الخلق عن کدهم      فجاء بمقصودهم فی کتاب

که در پشت ورق اول نسخه خطی نمره ۹۴۵ است .

کتاب الخلاص را حاج خلیفه بی هیچ ذکری دیگر ثبت کرده (۱۲) . این کتاب مأخذ کتب لغت بعد از خود بوده است ، مانند قانون الادب نسخه خطی نمره ۹۴۸ و از شرح مأخذی که در دیباجه خود داده دیده میشود که آرا کتابی دیگر بجز دستور اللغة قرار داده است (۱۳) این کتاب را نیز بعنوان دستور اللغة بالفارسیة والعربیة یافته اند .

بخط نسخ خوب بسیار تنگ هم که محتملست در ایران در سالهای اول قرن ششم هجری نوشته شده باشد ( آغاز قرن دوازدهم میلادی ) . هشتادویک ورق ۲۵ در ۱۹ سانطی مطر - جلد بی مقوا ( ضمیمه ۱۷۴۰ ) .  
در جزو کتب کتابخانه ملی پاریس بنمره ۹۴۵ تالیف دیگری از همین حسین بن ابراهیم نطنزی هست که در لغت پارسی بتازیست باسم « کتاب المرقاة فی

(۱۱) دراصل ( yokut. Modjem. t. IV n. 293 ) و رجوعیست بچاپ معجم البلدان

که در لایبزیخ شده است .

(۱۲) درکشف الظنون [ چاپ استانبول جلد دوم صحفه ۲۷۵ ] « کتاب الخلاص فی اللغة » [۱۳] قانون الادب کاتبیست در لغت تازی بفارسی تالیف ابوالفضل حسین بن ابراهیم بن محمد تفلسی که در مأخذ خود هم کتاب « دستور » وهم کتاب « خلاص نطنزی » را ذکر کرده و ازین کتاب دونهسخه بغایت نفیس در کتابخانه مدرسه ناصری طهران هست که اندک اختلاف با یک دیگر دارند .

اللغة الفارسية ، چنانکه در همان فهرست سابق الذکر ( ۱۴ ) بلا فاصله پس از ذکر دستور اللغة مستور است :

کتاب المرقاة فی اللغة الفارسیه . فرهنگ پارسی بتازی از بدیع الزمان حسین بن ابراهیم النطنزی .

در باب مؤلف که در ۴۹۹ هجری مرده است و کتاب الخلاص را نوشته بنمره ۹۴۴ رجوع شود . نه عنوان کتاب و نه نام مؤلف در متن کتاب نیست و هر دو را ترکی که مالک این نسخه خطی بوده و در ادبیات عرب بسیار مطلع بوده است ذکر کرده . در مقدمه مختصر آن چنین نوشته شده : و بعد هذه صحائف تتضمن اسماء مترجمة لابد للمبتدی ان يتلقنها و لمريد الادب ان يتحفظها ويتيقنها ليكون مرقاة الى معرفة كلام العرب و توطية لسلوك طريق الادب ( ۱۵ ) و همین میرساند که النطنزی خواسته است کتابی بکلی مبتدیانه بنویسد که محصلین بتوانند از بر کنند . مرقاة بترتیب هجائیت ولی بترتیب موادست و منقسم بدوازده فصلست که جزء آن در ورق دو و سه معلوم شده .

آغاز کتاب : الحمد لله مبدع الاشياء بقدرته ومصورها ببدائع حكمته والصلوة على المبعوث الى كافة الانام محمد المصطفى وآله الكرام

بنخط نسخ خوب ایرانی ، در ذیحجه ۸۴۷ هجری (مارس ۱۴۴۴ میلادی) نوشته شده - ۵۷ ورق ۱۸ در ۱۳۵ سانتی متر . جلد مقوایی ترکی - ( ضمیمه ۱۶۴۸ ) .

باسم ادیب نطنزی هفت شعر فارسی در دو کتاب مختلف یافت میشود . نخست يك

[۱۴] ج دوم صفحه ۱۷۳ - C pus. cit. n. 173

[۱۵] متن عربی در اصل کتاب و ترجمه آن چنینست : « بعد این صحایفست متضمن اسماء ترجمه شده که مبتدی از دانستن آن و خواستار ادب از بر کردن و بندهن سپردن آن ناگزیر است تا نزدیکی در آشنائی کلام عرب و تهیه درسپردن راه ادب باشد .



بیتست مندرج در کتاب حدائق السحر فی دقائق الشعر تألیف خواجه رشیدالدین و طواط که در صنعت مقلوب مستوی آورده (۱۶) : « ادیب نطنزی گوید :

ز نطنز آمد رخت خرد ما ز نطنز ز نطنزم ز نطنزم ز نطنز

دوم قطعه ایست شش بیت در سفینه از شعرا که متعلق بدوست فاضل ارجندم آقای میرزا عباسخان اقبالست و در حال تحریر نزد نگارنده امانتست . این سفینه مجموعه ایست بسیار گران بها از اشعار شعرای متقدمین و متوسطین تا اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و شامل اشعار ۳۵۱ شاعر است که دواوین ایشان در میان نیست و اغلب محتوی اشعار است که در هیچ کتاب دیگر نتوان یافت و شامل ۵۱۶ صحیفه است بخط نسختعلیق دو دانگ و بر کاغذ زرد رنگ نازک بقطع ۱۸۵ در ۱۰ سانتی مטר (قطع مسطر ۱۳۵ در ۷۵ سانتی مטר) و بقطر ۲ سانتی مטר. درین سفینه شش بیت از ادیب نطنزی هست که هر چند عنوان آن سرخی نوشته شده : « ادیب نظری » ولی سخت آشکار است که در اصل ادیب نطنزی بوده و تحریف شده و آن قطعه اینست :

بهار آمد گل اردی بیمارست	بهار اندر بهار اندر بهارست
جهان از طلعت سلطان اعظم	نگار اندر نگار اندر نگارست
ز بس آهوی دشتی و سرائی	شکار اندر شکار اندر شکارست
ز نعل خنک او از بلخ تاری	شرار اندر شرار اندر شرارست
ز تیغ و نیزه و تیرش عدو را	فرار اندر فرار اندر فرارست
زدست شاه باده شاخ گلبن (۱۷)	نثار اندر نثار اندر نثارست

(۱۶) حدائق السحر چاپ طهران ۱۲۷۲ - ورق ۱۴ رویه دوم

(۱۷) درلباب الالباب این مصرع چنین ضبط شده ، « زلاله کوه را وز گل چمن را » واضح می نماید .

بیت ۲ و ۳ و شش این قطعه در لباب الالباب محمد عوفی ( ۱۸ ) باسم امیر ابو منصور بزرگمهر قسیم بن ابراهیم قساینی شاعر قرن پنجم ذکر شده است و ممکنست مؤلف لباب الالباب را لغزشی دست داده باشد زیرا در تصحیح و استقصا بر من معلوم شد که گرد آورنده این سفینه شخصی بسیار دقیق بوده و در گرد آوردن آن کوشش بسیار کرده و بهمین جهت این سفینه بسیار معتبر است :

شاید در بادی نظر شخص مردد باشد که این اشعار پارسی که باسم ادیب نطنزی مطلقاً ثبت شده از بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن احمد نطنزیست یا از ابو الفتح محمد بن علی نطنزی ؟ زیرا که هر دو بادیب نطنزی معروف بوده اند ولی پس از اندکی تأمل شکی نمی ماند که از حسین بن ابراهیمست زیرا که او را ذو اللسانین یا ذوالبیمانین لقب داده اند و اوست که هم در تازی دست داشته و هم در پارسی و اگر هم باز شکی بماند از گفته عبدالکریم بن محمد سمعانی بر طرف میشود که در کتاب الانساب در ذیل کلمه نطنزی می نویسد ( ۱۹ ) :

« النطنزی بفتح النون و الطاء المهملة و سکون النون الاخری و فی آخرها الزاء هذه النسبة الى نطنز و هي بلدة بنو احي اصبهان ظنی ان بينهما قریبا من عشرين فرسخا و المشهور بالانتساب اليها ابو عبدالله الحسين بن ابراهیم بن احمد النطنزی الادیب من اهل اصبهان صاحب التصانيف فی الادب مثل الخلاص و غيره و كان یلقب بذی اللسانین و كان حسن الشعر دقیق النظر فیه سمع الحدیث من ابی بکر محمد بن عبدالله بن زبدة النصیبی و ابی ذر محمد بن ابراهیم الصالحانی و ابی الفضل عبد الرحمن بن احمد الرازی و طبقتهم روی لنا عنه سبطه ابو الفتح

( ۱۸ ) چاپ لندن - ج اول صحیفه ۳۳

( ۱۹ ) کتاب الانساب سمعانی - چاپ اوقاف کتب gibb Memorial ورق ۵۶۴ - رویت اول

محمد بن علی النطنزی بمرو و ابو العباس احمد بن محمد المودن الادیب باصبهان و جماعه ذكره يحيى بن ابى عمر بن مندة الحافظ فى كتاب التاريخ لاصبهان وقال كان اديبا فاضلا با رعا يلقب بنى اللسانين و كان من اهل السنة و الجماعة محبا لهم انفق عمره على التعليم و مات فى المعجم سنة ٤٩٧ سکن سکه ارزويه بحومان و سبطه ابو الفتح محمد بن علی بن ابراهيم النطنزی افضل من بحز اسان و العراق فى اللغة و الادب و القيام بصنعة الشعر قدم علينا مر و سنة ٢١ (٢٠) و قرأت عليه طرفا صالحاً من الادب و استفدت منه و اغرفت من بحره ثم لقيته بهمدان ثم قدم علينا بغداد غير مرة فى مدة مقانى بها و ما لقيته الا و كتبت عنه و اقتبست منه سمع باصبهان ابا سعيد المطرز و ابا على الحداد و و غانم بن ابى نصر البرحى و ببغداد ابا القسم بن بيان الرزاز و ابا على بن بنهات الكاتب و طبقتهم سمعت منه اجزاء بمرو و من الحديث و كانت ولادته ٤٨ (٢١) باصبهان انشدنى ابو الفتح نطنزى لنفسه و كتب لى بخطه

ان ترانى غريب بعد ريش فجمال السيوف حين نشام  
 واحتضار الحضور فى البيض وكذا صحبة الجفون القسام (٢٢) «

(٢٠) مفهود سال ٥٢١ است زیرا که سمانی در ٥٠٦ ولادت یافته و در ٥٦٢ درگذشته

[ ابن خلکان ]

(٢١) دراصل چینیست و باید ٤٨٠ باشد

(٢٢) ترجمه این عبارات چینیست : « نطنزی بفتح نون وطاء مهمله و سکون نون دیگر و در آخر آن زاء نسبتیست بسوی نطنز و آن بلدة در نواحی اصفهانست ظن من آنست که میان این دو نزدیک بیست فرسنگ مسافت باشد و مشهور بانساب آن ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن احمد نطنزی ادیب از مردم اصفهانست صاحب تصانیف در ادب مثل الخلاص و جز آن و او ذواللسانین لقب داشت و شعر نیکو وی را بود و در شعر نظر دقیق داشت حدیث را از ابوبکر محمد بن عبدالله بن زبده نصیبی و ابوذر محمد بن ابراهیم صالحانی و ابو الفضل عبد الرحمن بن احمد رازی و طبقه ایشان شنیده بود و ابو الفتح محمد بن علی نطنزی برادر زاده اش در مرو و ابو العباس احمد بن

ازین تحقیقات معلوم میشود که اولاً محرم سال ۴۹۷ ۴ که یاقوت آنرا تاریخ رحلت محمد بن علی بن ابراهیم نطنزی دانسته تاریخ رحلت عم او حسین بن ابراهیم است و این حسین ابن ابراهیم مرد بسیار دانشمندی بوده و در اصفهان در کوچه ارزویه در محله حومان زندگی میکرده و برادر زاده وی محمد بن علی که در ۴۸۰ متولد شده مدتی پس از آن و حتی پس از ۵۲۱ زنده بوده است و او فقط در زبان عرب دست داشته و عم او حسین ابن ابراهیم است که در هر دو زبان استاد بوده پس ادیب نطنزی شاعر فارسی حسین بن ابراهیم است و کتاب الخلاص در ادبست و غیر از دستور اللغه است که در لغت تالیف کرده و از این قرار او مؤلف سه کتابست: الخلاص در ادب - دستور اللغه و کتاب المرقاة هر دو در لغت تازی بیارسی.

در کتاب المعجم می معاییر اشعار المعجم تالیف شمس الدین محمد بن قیس رازی (۲۳) یازده بیت شعر فارسی با اسم نطنزی مطلق ثبت آمده که ظن غالب من بر آن

محمد مؤذن ادیب در اصفهان و جمعی دیگر از وی با ما سخن گفته اند و یحیی بن ابی عمر بن منده حافظ در کتاب تاریخ اصفهان ذکر او آورده و گوید که وی ادیب فاضل با رع بود و ذواللسانین لقب داشت و از مرده سنت و جماعت بود و دوستدار ایشان و عمر خویش را در آموزگاری اتفاق کرد و در محرم ۴۹۷ مرد و ساکن کوچه ارزویه در حومان بود و برادر زاده اش ابوالفتح محمد بن علی بن ابراهیم نطنزی در لغت و ادب و قیام در صنعت شعر افضل کس در خراسان و عراقست در سرو سال ۵۲۱ نزد ما آمد و طرفی خوب در ادب برو خواندم و ازو استفادت کردم و از دریای او آبی برگرفتم پس او را در همدان ملاقات کردم و پس در مدت اقامت من در بغداد چند بار نزد ما آمد و هر گاه وی را ملاقات نمی کردم با او مکاتبه داشتم و ازو اقتباس میکردم و او در اصفهان از ابوسعید مطرز و ابو علی حداد و غانم بن ابونصر برحق و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان رزاز و ابو علی بن بنهات کاتب و طبقه ایشان حدیث شنیده است و من ازو در مرو بعضی احادیث شنیدم و ولادت او در اصفهان در ۴۸۰ است و ابوالفتح نطنزی این ابیات را که در حق خود سروده است بمن خواند و بخط خود برای من نوشت:

(۲۳) چاپ اوقاف کبب Gibb Memorial صحیفه ۳۱۷ و ۳۵۳ و ۴۰۲

است که این اشعار نیز از همین حسین بن ابراهیم ادیب نطنزی است و آن ابیات این است :

( ۱ ) در صنعت مطابقه ( ۲۴ ) : « ... و نطنزی گفته است و در آن هشت

مطابق [ آورده ]

بزم و رزمش ورد و خار و عفو و خشمش نور و نار

امن و بیمش تخت و دار و مهر و کینش فخر و عار

( ۲ ) در صنعت تقابل ( ۲۵ ) : « ... و نطنزی گفته است

شاه کیوان کین هر مزد اختر بهرام رزم مهر چهر تیر تیر زهره طبع مه نشان

( ۳ ) در صنعت متکلف و مطبوع ( ۲۶ ) : « ... اگر شاعری التزام کند کی

چند معنی مختلف در شعری اندک بیارذ یا چند اسم متغایر در نظمی بر شمارذ یا خواهد

کی شعری غریب و نظمی مشکل امتحان طبع خویش را یا افحام یکی از اهل دعوی را

گوید و در ضمن آن چیزی از قلب و تصحیف استعمال کند [ و ] حروف عطل یا

منقوط لازم دارد هر آینه از نوع تعسف خالی نباشد چنانک نطنزی گفته است

تو بر بر ان دین بر بر خون خور بر علوم بس در بر خود بین خور کردن از بر

جون خواسته است کی چندین تجمیسات ناخوش مکرر گرداند لابد خوش

نیاید ... »

این شعر بهمین حالت مغدوط ثبت شده ، و فاضل محترم آقای میرزا محمد خان

قزوینی در حاشیه آن نوشته است : « کذا فی الاصل ( ۴ ) و در نسخه خدا بخش اصلا

این بیت را ندارد و تصحیح این بیت برای من بهیچ وجه میسر نشد » اما دوست

دانشمند من آقای میرزا عباس خان اقبال این بیت را چنین تصحیح کرده اند :

( ۲۴ ) صحیفه ۳۱۷

( ۲۵ ) صحیفه ۳۵۳

( ۲۶ ) صحیفه ۴۰۲ - ۴۰۳

نوبر بر آن دین بر بر چون خریب پس در بر خود بین خور گردون از بر  
و تصحیح ایشان را من نیز از هر حیث می پسندم  
۴ ( در همان صنعت متکلف و مطبوع (۲۷) : « و نطنزی گفته است .  
تا زحل راهست چون هر مزدو چون بهرام و تیر  
مه-رو ناهیدو قرار را جمله بر گردون بیوت  
تا حمل تا ثورو جوزا باشد و خرچنگ و شیر  
خوشه و میزان و عقرب قوس و جدی و دلو و حوت  
تا بهفت افلاک بر آن هفت را باشد مسیر  
تا بود بر ضد آن هفت این دو و ده را ثبوت  
عمر بادت ثابت و نامت بنیکوئی روان  
وین همه پیشت کننده همچو من بنده قنوت (۲۸)  
و از جنس صناعات شعری همو گفته است  
تیر مژگان کمان ابرو سمن بر سنگ دل  
باز سیرت کبک رفتار آب تن آتش رخسان  
خوب ظاهر زشت باطن زهر کین بازهر مهر  
نیک وعد بد کنش فربه سرین لاغر میان  
برق خنده برف دندان کثر زلفین راست قد  
مه جبین شب گیسوان حنظل سخن شیرین زبان  
چون خواسته است کی چندین صناعات مستحسن از تشبیه راست و نطابق  
درست و تقابل نیکو و تنسیق صفات در دوسه بیت جمع کنند هر آینه مطبوع تر از این

(۲۷) صحیفه ۴۰۳ - ۴۰۴

(۲۸) واضحست که این ابیات در شریضه قصیده بوده است .

نیاید و از جنس مقلوبات همو گفته است

یا خسرو نو نور سخای      یاری ده ما مهدی رای

هر مصراع بهمان لفظ و معنی مقلوب بر میتواند خواند...»

تابحال هجده بیت شعر یارسی از بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن احمد ادیب نطنزی ذواللسانین (یا ذوالبیانین) متوفی در محرم سال ۴۹۷ یافته شده است چون تمام این اشعار مصنوع متکلف است میتوان گفت که وی بیشتر بساختن اشعار مصنوع و متکلف مایل بوده و امید است که سایر فضیله‌های عصر اگر چیزی بر اشعار و یا احوال وی افزودند از انتشار آن نگارنده و دوستان ادب را منتی بگذارند

طهران - اردیبهشت ماه ۱۳۰۸

سعید نفیسی



ادیب دانشمند آقای سعید نفیسی یکی از اعضای قدیم انجمن ادبی ایران و معلم تاریخ ادبیات دارالفنونست مشارالیه یکی از احیا کنندگان آثار اساتید قدیم و متتبع در شرح حال شعرای گمنام و تذکره بسیار مفصل بی نظیری تالیف و تدوین کرده است.

وحید

